



Vol. 5  
Winter 2024

Research Paper

Received:  
21 October 2024  
Revised:  
17 November 2024  
Accepted:  
22 November 2024  
Published:  
21 December 2024  
P.P: 11-34

ISSN: 2008-3564  
E-ISSN: 2645-5285



Journal Future Studies of the Islamic Revolution

## The function of social capital components in the future of public resistance from the perspective of Amir al-Momenin(AS)

Mahdi Zare<sup>1\*</sup>

### Abstract

Social capital is the most important factor in achieving social perfection, which provides a sense of happiness and cohesion to a society by giving direction to life; Community cohesion will increase public resistance. The element of good trust is the main pillar of social capital, and with its conceptual development, we will witness the growth of civil participation in government administration. According to Islamic documents, good trust will lead to the cohesion of the government and the social development of the society, and ultimately to the increase of public resistance against problems. It will become widespread in the society and will be weakened in proportion to public resistance. Trust can effectively help the Islamic system in the phase of overcoming existing crises and by strengthening public resistance; and in the input and output of the system, decisions, patterns, functions and be considered as an effective factor and Lack of trust will lead to unrest and crisis in the society. It is a condition for the Islamic government to connect the people with the government body by observing the trust-building components so that the element of mistrust does not weaken the people's resistance against economic and social problems. Among the most important trust-building components in Amir al-Mu'minin's(AS) thought we can mention the necessity of accountability, humility, respect for human dignity and service to the people.

**Keywords:** Social capital, the future of the Islamic revolution, resistance, social crisis, Amirul Momineen, Islamic government.

1. Corresponding Author: PhD graduate, Faculty of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.  
Email: [mahdi.zare@ut.ac.ir](mailto:mahdi.zare@ut.ac.ir)

**Cite this Paper:** Zare, M(2024). The function of social capital components in the future of public resistance from the perspective of Amir al-Momenin(AS). *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(5), 11–34.

**Publisher:** Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)(CC BY 4.0) .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## کارکرد مولفه‌های سرمایه اجتماعی در آینده مقاومت عمومی از

### منظر امیرالمومنین(ع)

مهدی زارع<sup>۱</sup>

#### چکیده

سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل دستیابی به کمال اجتماعی است، که با جهت‌بخشی به زندگی، حس خوشبختی و انسجام را به یک جامعه اعطا می‌نماید؛ انسجام جامعه سبب افزایش مقاومت عمومی در آینده خواهد شد. عنصر حسن اعتماد، اصلی‌ترین رکن سرمایه اجتماعی است که با توسعه مفهومی آن رشد مشارکت مدنی، در اداره حکومت را شاهد خواهیم بود. با توجه به مستندات اسلامی، حسن اعتماد، انسجام حکومت و توسعه اجتماعی جامعه و در نهایت افزایش مقاومت عمومی در برابر مشکلات پیش‌روی را در پی خواهد داشت و با فقدان دال اعتماد مردمی، آسیب‌های اجتماعی شیوع بیشتری در جامعه خواهند داشت و بحران‌های اجتماعی در جامعه فراگیر خواهد شد و به تناسب در آینده با مقاومت عمومی تضعیف شده مواجه خواهیم شد.

اعتماد در مرحله گذر از بحران‌های موجود و با تقویت مقاومت عمومی می‌تواند، به نحو مؤثری به آینده نظام اسلامی کمک می‌کند؛ و در ورودی و خروجی نظام، تصمیم‌گیری‌ها، الگوسازی‌ها، عملکردها و به‌عنوان یک عامل مؤثر پیشینی شمرده شود. بر دولت اسلامی شرط است که با رعایت مؤلفه‌های اعتماد ساز، مردم را با بدنه حکومت پیوند زده تا عنصر بی‌اعتمادی سبب تضعیف مقاومت مردم در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی نگردد. از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد ساز در اندیشه امیرالمومنین(ع) می‌توان به‌ضرورت پاسخ‌گویی، فروتنی، احترام به کرامت انسانی، خدمت‌گزاری اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، آینده انقلاب اسلامی، مقاومت، بحران اجتماعی، امیرالمومنین، حکومت اسلامی.

## مقدمه و بیان مسئله

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری با نام سرمایه اجتماعی، اذهان اندیشمندان را به خود مشغول کرده است (Bourdieu, 1986: 241)، این نوع سرمایه را شاید بتوان بر دارایی‌های اقتصادی و انسانی هر نظام سیاسی مقدم دانست، چراکه هیچ کشوری بدون سرمایه اجتماعی از طرف مردمان، نمی‌تواند به کمال و هدف غایی خود دست یابد. قابل ذکر است که بسیاری از کشورها بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند در آینده به قله‌های موفقیت دست یابند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی افراد جامعه جهت می‌دهد و احساس خوشبختی فردی را به آن‌ها اعطاء می‌نماید. در نتیجه هر چه بتوان سرمایه اجتماعی منسجم‌تری را برای یک ملت مهیا نمود، پیشرفت بیشتری را در آینده برای آن جامعه می‌توان تصور کرد.

دغدغه گسترش سرمایه اجتماعی در قرن‌های اخیر اذهان اندیشمندان در تمدن‌های فکری را به خود مشغول کرده است، به طوری که میزان کارآمدی نظام سیاسی در دولت‌های مدرن با میزان رضایت‌مندی مردم از حکومت سنجیده می‌شود و مشروعیت حکومت از این موضوع نشأت می‌گیرد.

از جمله دغدغه‌های کارگزاران نظام اسلامی، همچون سایر نظام‌های فکری دیگر، بررسی و تقویت مفاهیم و عواملی است که بدنه حکومت اسلامی را مستحکم‌تر نماید و اعتماد مردم به نظام، را توسعه دهد. بدین منظور کارگزاران نظام اسلامی ایران نیز، سرمایه‌گذاری‌های متعددی را در بخش‌های سرمایه اقتصادی و انسانی در راستای انجام بیشتر انقلاب در آینده به کار گرفته‌اند، اما از لزوم توجه به سرمایه‌های اجتماعی جهت حسن اعتماد و مشارکت اجتماعی کمتر سخن به میان آمده است و این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکودی یا تومی که نیاز بیشتری به اعتمادسازی دارد تا سبب تقویت مقاومت عمومی در آینده گردد، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های دیگر می‌تواند بسیاری از معماهای درهم‌تنیده کشور را، حل نماید (متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۸۱) و راه رسیدن به تمدن اسلامی را سهل نماید. از آنجاکه هر حکومتی راه‌حل تنش‌ها

### 1. Social Capital

و بحران‌ها و مشکلات خود را در حدود مبانی پذیرفته‌شده فکری خود جستجو می‌کند، حکومت اسلامی نیز می‌بایست با توجه به مبانی و نظام دینی خود، ساختاری را در جهت استحکام و توسعه سرمایه‌های انسانی خود مهندسی نماید تا عنصر حسن اعتماد مردم، در فرآیند تشکیل تمدن اسلامی نقش بیشتری ایفا نماید.

از سوی دیگر نیز نصوص اسلامی سرشار از مطالب جالب توجه برای آینده پژوهان به خصوص در عرصه‌های دفاعی و امنیتی است؛ نظام بینشی اسلام یک نگاهی کلان تاریخی مبتنی بر غلبه نهایی اهل حق و تشکیل حکومت عدل را به باورمندان هدیه می‌کند؛ علاوه بر آن گزاره‌هایی راهبردی مبتنی بر قانون طبیعت و عالم تکوین در نصوص اسلامی وجود دارد که می‌تواند در تصمیم‌سازی حکمرانی ناظر به آینده کشور به کار آید (رهبر و نصر اصفهانی، ۱۴۰۳). با استخراج چنین راهبردهایی از متون دینی، می‌توان آینده انقلاب را با توجه به گفتار معصوم جهت‌دهی کرد. در این نوشتار نیز تلاش شده است تا با یافتن راهبردهایی از کلام امیرالمؤمنین گفتمان مقاومت عمومی را به سمت قوت رهنمون کرد.

این پژوهش درصدد هست تا تأثیراتی که حسن اعتماد و بی‌اعتمادی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی برجای گذارد را تحلیل نماید. در مرحله دوم قصد واکاوی راه‌حلهایی را دارد که اسلام برای توسعه مفهوم حسن اعتماد در آینده عنوان کرده است. در واقع سوال اصلی در این نوشتار بدین قرار است که در اندیشه امیرالمؤمنین چه راهبردها و راهکارهایی در جهت تقویت و گسترش حسن اعتماد به حکومت به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌شود تا بدین وسیله مقاومت عمومی در چالش‌های پیش‌روی توسعه یابد؟

بی‌شک عنصر مردم در منظومه فکری حکومت اسلامی نقش بسزایی را ایفا می‌کند، و هر چه اعتماد مردم نسبت به ارکان و حقانیت حکومت به‌عنوان رکن دوم جامعه اسلامی محکم‌تر باشد، نسبت به چالش‌های کشور، از خود مقاومت بیشتری را بروز می‌دهند و به تبع آن سرعت پیشرفت در جهت تحقق تمدن اسلامی نیز شایان توجه خواهد گردید. و با فقدان یا ضعف دال اعتماد مردمی در ارتباط با ارکان حکومت، حرکت رشد جامعه اسلامی مختل خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی قدرت بیشتری را برای رشد و گسترش در جامعه اسلامی ایجاد خواهند

کرد، چرا که با ایجاد بحران در اجتماع، بحران‌های خردتر همچون بیکاری، فحشاء، خشونت، جامعه‌گریزی، عدم اعتماد به نفس و... شایع خواهد شد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به صورت کلی سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند، که از تعامل‌های روزمره افراد به دست می‌آید (Bullen, 1998: 7). تعاریف متفاوتی برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است، اما بسیاری از تعاریف به نمودهای سرمایه اجتماعی - نه به خود آن - اشاره می‌کند (تاج بخش، ۱۳۸۵: ۲۵). بوردیو با نگاه ابزاری به تعریف سرمایه اجتماعی وارد می‌شود و سرمایه اجتماعی را ابزاری برای جلب سرمایه اقتصادی می‌داند و روابط اجتماعی را فرآیندی در جهت خلق منفعت مالکان سرمایه می‌داند (Portes, 1998: 3) و در پایان از سرمایه اجتماعی به مجموعه منابع حقیقی یا بالقوه‌ای تعبیر می‌کند که در رابطه با مالکیت، شبکه پایداری از روابط کم‌و بیش نهادینه‌شده را بر اساس آشنایی و پذیرش متقابل به وجود می‌آورد (Bourdieu, 1983: 196) در برابر این تعریف گلمن، سرمایه اجتماعی را با نوعی تعریف کارکردی، ابزاری در جهت حصول سرمایه انسانی به کار می‌برد (حق شناس، ۱۳۸۴: ۷) و بیان می‌کند هر آنچه از شبکه ارتباطات، اعتماد، حس عمل متقابل و هنجارهای اجتماعی که تسهیل فعالیت فردی یا اجتماعی را به دنبال داشته باشد، سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. از نظر وی، سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما نفع جامعه از آن کاملاً وابسته به کاربرد آن در موقعیت‌های خاص اجتماع است (Foley, 1997: 554). پوتنام نیز رکن سرمایه اجتماعی را ارزش جمعی و تمایلات ناشی از آن ارزش‌ها در شبکه‌های اجتماعی می‌داند که باهدف کمک به یکدیگر به وجود می‌آیند. او ادعا می‌کند که میزان سرمایه اجتماعی را با میزان اعتماد مردم به حکومت و در نتیجه مشارکت مدنی، می‌توان سنجید (Robert, 2001: 19).

تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی - به ویژه در روایت کارکردگرایانه - عبارت است از روابط دوجانبه تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و

سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرند که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است: (Wall and others, 1998: 312).

با جمع‌بندی نظرات ابرازشده سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها ارزش‌ها و درکی دانست که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل، تسهیل می‌کند و این سرمایه را غالباً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۸). تعریف دیگری که مفاهیمی همچون جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی را از جهت مفهومی به سرمایه اجتماعی نزدیک می‌کند، تعریف فوکویاما است، بدین صورت که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد (Fukuyama, 1999: 7). قابل ذکر است که داگلاس نورث با جدیدترین تعریف خود از سرمایه اجتماعی، روابط رسمی و ساختارهایی مانند نهادهای در سطح کلان از جمله حکومت، رژیم سیاسی، سیاست‌های حقوقی و نظام دادخواهی را در تعریف وارد می‌کند (Feldman and Assaf, 1999). کلمه «اعتماد» در فرهنگ معین به: تکیه کردن بر، واگذار کردن کار به کسی، سپردن چیزی به کسی، وثوق و اطمینان، تعبیر شده است (معین، ۱۳۷۱: مدخل اعتماد). در بررسی منابع اسلامی اصطلاحاتی همانند اعتماد، ثقه، اطمینان، رکون، توکل و مشتقات آن‌ها با تفاوتی در مفهوم اعتماد به کار رفته است. البته واژگان اطمینان، امن و رکون به مفهوم خاصی از اعتماد دلالت دارد. بدین صورت که اطمینان و امن زمانی به کار می‌رود که تکیه بر فرد یا چیزی همراه با آرامش و سکون قلب باشد درحالی که در موقعیت اعتماد ممکن است تکیه فرد به دیگری با میزانی از عدم اطمینان و خطرپذیری همراه باشد (توکل، ۱۳۷۹). اما به صورت کلی اعتماد

انتظاری مثبت است که انتظار می‌رود افراد -اعم از حقیقی یا حقوقی- در خلال گفتار و رفتارشان به صورت فرصت طلبانه عمل نکنند (Hind, 1991). گیدنز اعتماد را در سطح کلان بدین صورت بیان می‌کند که جوامع مدرن به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌کنند و اعتماد، کلید رابطه بین فرد و نظام‌های تخصصی است. اعتماد همان چیزی است که جوامع مدرن را یکپارچه نگه می‌دارد. اعتماد نوعی دل به دریا زدن است و هرگاه سسست شود، افراد و گروه‌های اجتماعی ناامنی را تجربه خواهند کرد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۱). دوئیچ نیز رفتار اعتماد کردن را کنش‌هایی می‌داند که آسیب‌پذیری شخص (اعتماد کننده) را نسبت به دیگری (اعتماد شونده) که رفتارش در وضعیت ویژه‌ای تحت کنترل افراد نیست، افزایش می‌دهد. وضعیتی که در آن زیان اعتماد کننده، در صورت سوءاستفاده دیگری (اعتماد شونده) بیشتر از منفعتی است که شخص (در صورت عدم سوءاستفاده) دریافت خواهد کرد (کلمن، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

از آنجا که مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم عنوان شده، یک مفهوم وارداتی است، لذا در منظومه فکری اسلامی به عنوان سرفصلی مجزا کمتر به آن پرداخته شده است، مخصوصاً در حیطه ارتباطات مردم و حکومت اسلامی و عواملی که این رابطه را سازمان‌دهی می‌کنند، بررسی شاخصی انجام نشده است. اما با بررسی‌های صورت گرفته تقریباً تأثیر حسن اعتماد بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از منظر اسلام، اصلاً مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و سابقه پژوهشی ندارد.

## روش پژوهش

قابل ذکر است که روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع بوده است و با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی و شیوه تحلیل محتوای متن، و با اطلاعاتی که از طریق فیش‌برداری جمع‌آوری شده‌اند، پژوهش انجام می‌گیرد.



## یافته های پژوهش

### کارکردهای سرمایه‌های اجتماعی بر افزایش مقاومت عمومی

افزایش مقاومت عمومی در چالش‌ها را می‌توان یکی از مصادیق توسعه اجتماعی قلمداد کرد که می‌توان با افزایش سرمایه اجتماعی اثرگذاری آن بر افزایش مقاومت عمومی و به صورت کلی توسعه اجتماعی را شاهد بود. به عنوان نمونه در تحقیقی که در ۳۹ کشور توسعه یافته و در حال توسعه انجام گرفت، گفته شده است که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌تواند سطح خشونت را در جامعه کاهش دهد یا پایین نگه دارد و در نتیجه از وقوع جرم و خشونت پیشگیری کند (Ledeman, 1999). سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز در گزارش خود و بر اساس تحقیقات انجام شده، عنوان کرده است که مناطق یا ایالاتی که از سطح بالاتری از اعتماد و مشارکت برخوردارند، معمولاً از حکومت‌هایی با کیفیت بالاتر برخوردار هستند (OECD, 2001) و نیز از سال ۱۹۰۱ که امیل دورکیم رابطه بین نرخ خودکشی و انسجام اجتماعی را مطرح کرد، تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گرفت و نشان داد که سرمایه اجتماعی بالاتر و انسجام اجتماعی بیشتر، به بهبود شرایط بهداشت جامعه کمک می‌کند و در نتیجه اعتمادی که در شبکه‌های رسمی و غیررسمی وجود دارد، به مردم کمک می‌کند تا شرایط اجتماعی جامعه را بهبود دهند (Kawachi and others, 1997: 58).

در زمینه احساس دارایی کودک از سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه، تحقیقات نشان داده است که در این کودکان احتمال کمتری برای ترک تحصیل وجود دارد (Lichter and cornwell, 1994: 54). کلمن نیز رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار داده است (Coleman, 1988: 95).

در کشور نیز در پژوهشی که جامعه آماری آن از تعدادی جوانان استان زاهدان به صورت تصادفی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده از یک رابطه معنا داری برخوردار است. توضیح آنکه در میان متغیرهای گنجانده شده در مدل، متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین تاثیر کل را بر متغیر وابسته امید به آینده جوانان داشته است و همچنین از متغیرهایی که به صورت غیر مستقیم بیشترین تاثیر را بر متغیر امید به آینده داشته است، سرمایه اجتماعی است (شیردل، ۱۴۰۳: ۸۴).

با توجه به تحقیقات فوق می‌توان چنین استدلال کرد که عنصر اعتماد زیربنای اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که اگر افراد یک جامعه به یکدیگر اعتماد فراینده‌ای داشته باشند، روابطشان با خانواده، سایر افراد حاضر در اجتماع و نهادهای اجتماعی مؤثرتر خواهد شد، و در نتیجه آسیب‌های اجتماعی کمتری را شاهد خواهیم بود اما اگر در جامعه‌ای اعضا روند غیرقابل اعتماد را پیش گیرند، آن جامعه در مورد پیروی از قوانین، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر شاخصه‌های اجتماعی، بحران‌های اجتماعی زیادی را متحمل خواهد شد (Cox, 1997: 2).

عنصر اعتماد تمامی روابط افراد یک جامعه و نهادهای حاکمیتی را پیوند می‌دهد و اساسی را ایجاد می‌کند تا جامعه با عمل به آن فرآیند رهبری را تحقق بخشد و تغییرات اجتماعی مطلوب شکل گیرند (عارف کشفی، ۱۳۸۳: ۴۳).

شهید مطهری سعادت را مرهون دو بخش تلاش و اعتماد به محیط عنوان می‌کند، به عنوان نمونه دانش‌آموز کوشایی را مثال می‌زند که اگر به محیط آموزشی و مسئولین مدرسه اعتماد نداشته باشد و مداوم نگران یک رفتار غیرعادلانه باشد، در تمام طول سال دلهره و اضطراب وجود او را فرامی‌گیرد و مانع موفقیت وی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۲).

به صورت کلی دین اسلام توجه ویژه‌ای به اجتماعات مردمی نموده است و اغلب دستورات اسلامی مانند نماز جماعت، نماز جمعه، امر به معروف، خمس، زکات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که علاوه بر داشتن اثرات معنوی و تزکیه روحی، موجب افزایش روابط میان انسان‌ها و مشارکت اجتماعی همه مسلمانان شود، بنابراین دستورات اسلام شبکه‌های روابط میان افراد جامعه را هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی تعیین می‌کند (افسری، ۱۳۹۲). قابل ذکر است که ایجاد و تقویت عنصر اعتماد، از فرآیند توسعه ارتباطات شکل می‌گیرد و هرچه ارتباطات سازنده بین افراد یک گروه اجتماعی رونق بیشتری بیابد، چالش‌های آن گروه اجتماعی بیشتر مورد واکاوی قرار گرفته و حس تعلق به گروه و مشارکت جمعی بیشتری شکل می‌گیرد و اعتماد بین افراد عمق بیشتری می‌یابد و با تعاون و همیاری اعضای گروه، مشکلات اجتماع آسان‌تر برچیده خواهد شد.

در سوره حجرات، حق متعال می‌فرماید: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" (سوره حجرات / آیه ۱۰) در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران سازش

برقرار کنید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید. در این آیه تعامل بین مؤمنین را رابطه برادری فرض می‌نماید و دستور به پاسداشت این رابطه می‌دهد. تعبیر از رابطه برادری، نهایت اعتماد افراد یک جامعه را به یکدیگر می‌رساند و در ادامه آیه و بدون فاصله به رفع عواملی تأکید می‌کند که ایجاد تکدر در این رابطه می‌نماید. پس در حکومت اسلامی عدم پابندی به تعاملات برادرگونه نمونه‌ای از تجاوز به تقوای الهی شمرده می‌شود که رحمت الهی را از حکومت اسلامی دور خواهد داشت. صاحب تفسیر المیزان در این زمینه عنوان می‌کند که جمله "انما المؤمنون اخوه" قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح می‌کند، و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود، و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی و حقوقی نیز دارد و از آنجا که نسبت‌های خویشاوندی به دو قسم حقیقی و اعتباری تقسیم می‌شوند، عنوان برادری نیز به دودسته برادری طبیعی و دینی تقسیم می‌گردد، از آنجا که خطاب آیه ضمیر مخاطب جمع مسلمانان است باینکه می‌توانست ضمیر غایب استفاده شود، دلیلی بر احساس مسئولیت همه مسلمانان نسبت به یکدیگر است. حضرت صادق علیه‌السلام درباره حقوق برادر دینی می‌فرماید: مؤمن برادر مؤمن و چشم او و راهنمای او است، به او خیانت نمی‌کند، و ستم بر او روا نمی‌دارد و او را فریب نمی‌دهد، و اگر وعده‌ای به او داد خلف وعده نمی‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۴۶۵). گزاره‌های که در حدیث عنوان شده است دلالت بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌نماید و جامعه‌ای که این گزاره‌ها در کارکردهای روزمره مردم نهادینه شده است، بدیهی است که سطح اعتماد مردم با یکدیگر و روابط متقابل کارگزاران حکومت و مردم، در نهایت سطح خود قرار خواهد گرفت. در ذیل آیه تعاون در سوره مائده آیه سوم علامه طباطبائی بیان می‌کند که در اسلام حرمت عهد و وجوب وفای به آن به‌طور اطلاق رعایت شده است، خواه رعایت آن به نفع صاحب عهد باشد و یا به ضرر او باشد؛ مگر آنکه طرف مقابل عهد خود را بشکند و به تعهدات خود پایبند نباشد، چرا که عدم نقض قرارداد بردگی طرف دیگر را در پی خواهد داشت و نقض بردگی و استعلا به‌اندازه‌ای در اسلام منفور است که می‌توان گفت هدف نهضت دینی فقط برای از بین بردن آن بوده است؛ و به جان خودم سوگند وفای به عهد و تعاون از تعالیم عالی‌ای است که دین اسلام آن را برای بشر و به‌منظور هدایت انسان‌ها به سوی فطرت بشری خود آورده، و عامل مهمی است که عدالت اجتماعی را که نظام اجتماع جز به آن تحقق نمی‌یابد حفظ می‌کند و مظلومه استخدام و استثمار را از جامعه نفی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۶۲). با

توجه به بیانات فوق می‌توان چنین برداشت کرد که فروپاشی اعتماد متقابل حکومت و مردم در جامعه اسلامی به منزله شیوع ظلمت و خروج از فطرت بشری است که با نبود حسن اعتماد زمینه‌های لازم برای استعمار جامعه اسلامی ایجاد خواهد شد.

از این روی، امیرالمؤمنین به مالک اشتر می‌فرماید "الخلف یوجب المقمت عندالله و الناس" (نهج البلاغه/ نامه ۳) خلف وعده خشم خداوند و نارضایتی مردم را در پی دارد. پس اگر عنصر اعتماد در جامعه‌ای از بین رود، به تبع حکومت را ظلم فرا خواهد گرفت و بدیهی است که حکومت با کفر باقی خواهد ماند اما با ظلم باقی نخواهد نماند.

### دالّ حسن اعتماد در حکومت اسلامی

اعتماد به حاکمیت در هندسه فکری اسلام یک کالای عمومی است که همگان باید در رسیدن به آن تلاش کنند و سعی در همگن‌سازی خود با دیگر اعضای جامعه داشته باشند، اعتماد و سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برای شکل دادن جامعه انسانی و اخلاقی مطابق با آموزه‌های اسلامی و سبک زندگی ائمه، اهمیت بسیاری را دارا می‌باشد و توسعه آن می‌تواند منتهی به افزایش مقاومت عمومی در برابر چالش‌های حکمرانی گردد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه‌ها و نامه‌های خود به کارگزاران، ضمن تشریح وظایف و حقوق مردم و حاکمان، همواره آن‌ها را به رعایت حقوق متقابل سفارش نموده است. حضرت هدف از حکومت را دستیابی به قرب الهی می‌داند. از این رو از زمامداران خویش می‌خواهد تا حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی شهروندان مسلمان و غیرمسلمان و موافق و مخالف را پاس دارند و از سوی دیگر از مردم می‌خواهد تا با وفاداری خود نسبت به تعهد و بیعتی که با آن حضرت بسته‌اند، حکومت اسلامی را جهت رسیدن به اهداف خویش یاری نمایند (گل‌صنملو و موحدی، ۱۳۹۰). حضرت در این باره می‌فرماید: حق، هنگام وصف و گفت‌وگو، فراخ‌ترین چیزهاست و زمان کردار و انصاف دادن با آن، تنگ‌ترین امور - یعنی تعریف حق، آسان و عمل بدان سخت است - کسی را بر دیگری حقی نیست، مگر اینکه آن دیگری نیز بر او حقی دارد. آن دیگری را حقی بر او نیست، مگر اینکه او را نیز حقی است. اگر کسی را بر دیگری حقی باشد که دیگری را بر وی حقی

نباشد، تنها خداوند سبحان است و آفریده‌ها را چنین حقی نیست (نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام/ خطبه ۲۰۷).

جامعه وقتی به مدینه فاضله و آرمانی تبدیل می‌شود که هر دو گروه مکلف؛ یعنی مردم و حکومت، حقوق و تکالیف خود را به‌طور کامل انجام دهند و هیچ‌یک به حقوق دیگری تجاوز نکند. اگر این همکاری تحقق یابد، مردم، صالح و سعادت‌مند خواهند شد و در صورت قصور و تنگ‌نظری یک‌طرف، جامعه دچار اختلاف و آشوب می‌شود و فرمانروایان ستمگر، بر مردم حاکم خواهند شد (نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام/ خطبه ۶) پس تمدن اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که مردم و حکومت تکالیفی را که نسبت به یکدیگر دارند به‌درستی ادا نمایند تا نظام اسلامی در سطح اجتماع پیاده‌سازی شود؛ بدیهی است که اولین گام در جهت همیاری میان حکومت و مردم حسن اعتماد به یکدیگر است که شروع حرکت به سمت مدینه فاضله بدون آن امکان ندارد.

امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَلْفَ جَمْعَهُمْ، وَ دَبْرَ أَمْرِهِمْ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۷) از حق متعال یک‌دلی و هماهنگی کارگزاران حکومت را تقاضا می‌نماید و بلافاصله پس از آن صحبت از تدبیر و مدیریت امور به میان می‌آورد. چرا که با اعتماد و یکدلی قلب‌های تمامی اعضای حکومت، فقط امکان مدیریت جامعه وجود دارد و گرنه تفرقه ثمره‌ای جز فروپاشی را در پی نخواهد داشت.

امام سجاد (ع) در بیان آفاتی که کارگزاران حکومت اسلامی را تهدید می‌کند، چنین می‌فرماید: «أَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْغُرُورَ، وَأَمَحُّ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۷). درواقع ایشان از حق متعال تقاضا می‌نماید که حلاوت و یاد دنیای فریبکار را از خاطر کارگزاران محو نماید و از قلب‌هایشان فتنه‌انگیزی دارایی‌های دنیوی را خارج نماید و حلاوت بهشت را در کام کارگزاران قرار دهد تا بتوانند وظیفه خدمتگزاری خود را در دنیا انجام دهند و شکار شیطان نگردند، چرا که این مؤلفه‌های اخلاقی راه سعادت جامعه بشری و پیشرفت حکومت اسلامی را هموار خواهد نمود.

در برابر مؤلفه‌های مذکور، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَقْلُ بِذَلِكَ عَدْوَهُمْ، وَأَقْلَمُ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَ فَرْقٌ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَأَخْلَعُ وَ تَأْتِقُ أَفْنِدَتِهِمْ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۷) درواقع ایشان از خداوند زوال اعتماد و از هم گسیختگی درونی را برای دشمنان از حق متعال آرزو می‌کند،

تا سبب جدایی و تفرقه دشمنان اسلام و در نهایت شکست آنان گردد. با توجه به بیانات ایشان می‌توان نتیجه گرفت که اگر حس منیت و برتری و حبّ دنیا گریبان گیر کارگزاران حکومت اسلامی شود، به تبع آن در حکومت اسلامی ایجاد بحران خواهد شد، چراکه امام سجاد(ع) بی‌اعتمادی و از هم گسیختگی قلب‌های کفار را عامل نابودی و شکست آن‌ها تلقی می‌نماید.

در این راستا در صدد هستیم تا عواملی که در ایجاد و توسعه اعتماد مردم نسبت به حکومت دخیل است، را مورد تحلیل قرار دهیم و بیان نماییم که توجه نسبت به چه عواملی، پایه‌های حکومت اسلامی را می‌تواند مستحکم نماید.

### یافته‌های عوامل تأثیرگذار بر ایجاد اعتماد اجتماعی

واژه اعتماد می‌تواند به علت گستردگی معنایی، در مرحله گذر از بحران‌های موجود در روند توسعه سیاسی-اجتماعی به نحو مؤثری به نظام اسلامی کمک کند. اعتماد در ورودی نظام، تصمیم-گیری‌ها، الگوسازی‌ها، عملکردها و خروجی نظام می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر شمرده شود و نبود آن ناآرامی و بحران در جامعه را در پی خواهد داشت (نصوحیان، ۱۳۸۷)، به این جهت بر دولت اسلامی شرط است که با رعایت مؤلفه‌های اعتماد ساز، مردم را با بدنه حکومت پیوند زده تا عنصر بی‌اعتمادی زمینه جدایی مردم از کارگزاران حکومت اسلامی را فراهم نکند.

با توجه به نکات فوق در ادامه، مؤلفه‌های اعتماد ساز در هندسه فکری اسلام که رعایت آن‌ها بر دولت اسلامی فرض است را بیان و تحلیل خواهیم نمود:

#### ۱. ضرورت پاسخ‌گویی کارگزاران:

از آنجا که دولت نماینده‌ی مردم است، باید در مورد عملکرد و تصمیمات خود و قوای حاکمیتی خود به مردم پاسخ‌گو باشد و پاسخ‌گویی به مردم را جزو وظایفی اساسی خود تلقی نماید و حق دسترسی مردم به اطلاعات را در مجال واخواهی نیز مورد شناسایی کامل قرار دهد. علاوه بر این که پاسخ‌گویی، از تکالیف دولت‌ها می‌باشد، در تشدید و تقویت اعتماد اجتماعی نسبت به دولت نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید. در شرایطی که مجاری موثق اطلاع‌رسانی در جامعه وجود نداشته باشد، و یا این مجاری به‌درستی نقش اطلاع‌رسانی خود را ایفا ننماید، بازار شایعه و دروغ‌پردازی دامن گیر

حکومت خواهد شد و اطلاعات نادرست، اعتماد مردم نسبت به مسئولین را سست خواهند نمود، در نتیجه یقین و اعتماد مردم به حکومت و کارگزاران آن متزلزل خواهد شد (مجددی، ۱۳۸۳).

مقام معظم رهبری در مورد چیستی پاسخگویی بیان می‌کنند که «پاسخگویی یک حقیقت اسلامی است؛ این همان مسؤولیت است. مسؤولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که هست، در درجه‌ی اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه بود؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود، کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت؛ همه‌ی شما مسؤولید. البته کسی که حیطه‌ی وسیعی از زندگی انسان‌ها با قلم و زبان و تصمیم او تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مسؤولیتش به همان نسبت بیشتر است؛ لذا من گفتم مسئولان بلندپایه‌ی کشور، قوای سه‌گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران، همه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگویی کار خود، پاسخگویی تصمیم خود، پاسخگویی سخنی که بر زبان آورده‌اند و تصمیمی که گرفته‌اند؛ این معنای پاسخگویی است؛ این یک حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱/۲۶). ضمن اینکه ایشان مرز پاسخگویی کارگزاران نظام اسلامی را در حدود حوزه اختیارات هر فردی بیان می‌کنند، به این معنا که هرکسی در حیطه‌ای که قانون برای تصدی مسؤولیت به او واگذار کرده است، باید پاسخگو باشد و هیچ کارگزاری مستثنی از این اصل نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

در زمینه پاسخگویی به مردم نیز امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به کارگزاران خود می‌نویسند: «لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ» به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود که این گونه خودبزرگ‌بینی دل را فاسد، و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت‌هاست (نهج‌البلاغه ترجمه دشتی / نامه ۵۳). ابن میثم در شرح جمله فوق بیان می‌کند که این نوع برخورد با مردم خرابی دین و سست شدن بنیاد آن را در پی دارد و نوعی ستمکاری شمرده می‌شود و ستمکاری از مهم‌ترین عواملی است که زمینه ایجاد قیام‌های مردمی علیه حکومت را فراهم می‌کند و آیه مبارکه «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» - برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند - (سوره رعد / آیه ۱۱) بر این مطلب گواهی می‌دهد (حرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۴۰). رهبر معظم انقلاب با توجه به حدیث فوق، تصور کارگزاری که به دلیل مسئول بودن



خود را از پاسخگویی مبری می‌داند، غیر اسلامی می‌داند و برگشت خشم آلود مردم به آن کارگزار را نزدیک می‌داند. و نتیجه آن را ناخشنودی مردم برای همیشه به سبب خودخواهی و منیت و خودمحوری فرد بیان می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۶/۱۲).

## ۲. فروتنی کارگزاران:

تکبر، از مهم‌ترین رذایل نفسانی انسان و عامل مخرب در زندگی فردی و سازمانی وی محسوب می‌شود. موقعیت کارگزاران و قدرت جایگاهی آنان می‌تواند عامل مهمی در پیدایش تکبر داشته باشد، اگرچه مهم‌ترین عامل تکبر کارگزاران را می‌توان، بی‌توجهی به مقوله مشروعیّت بخش آنان یعنی مردم و فلسفه وجود شغلی یعنی خدمت به مردم نام برد. تکبر موجب کاهش روابط و همکاری صمیمانه میان افراد می‌گردد و به بهره‌وری، وجهه و اعتبار کارگزاران حکومت آسیب می‌رساند. از عوارض تکبر در اداره حکومت عدم استقبال از اعتماد، مشارکت، دانش و اطلاعات دیگران است، بلکه کارگزار به دلیل موقعیت و امکانات ویژه خود، با رفتارهای آمرانه و تحقیرآمیز، اعضای حکومت را دلسرد و مأیوس می‌کنند. در نتیجه، میان اعضای حکومت در سطوح گوناگون، فاصله ایجاد می‌شود و وظایف مدیریتی مانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و رهبری با مشکل مواجه می‌گردد (زارعی متین و اکبری، ۱۳۹۱).

از قول لقمان در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (سوره لقمان/ آیه ۱۸) خود را در برابر مردم زیور و پست ننما و در روی زمین با نخوت و غرور راه مرو؛ زیرا خداوند هیچ متکبر خودپسندی را دوست ندارد. از این آیه برداشت می‌شود که انجام هر عمل متکبرانه‌ای غضب حق متعال را در پی خواهد داشت و می‌تواند برای انسان عوامل جبران ناپذیری را به دنبال بیاورد. از آنجا که کارگزار اسلامی وظیفه خطیری در جهت خدمت‌رسانی به مردم دارد، لذا عواقب خودپسندی آنان ضربات بیشتری را به نظام اسلامی وارد می‌نماید و مستحق غضب شدیدتری از جانب حق متعال خواهد بود.

حق متعال در قرآن کریم ملاطفت و نرم‌خویی با مردم را رحمتی از جانب خود به پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) بیان می‌کند و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَكُنْتَ فَرْطًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) در تفسیر اطیب البیان در مورد معنای غلیظ القلب



و پیامدهای ناشی از آن آمده است که، غلظت قلب عبارت از تندمزاجی است که انسان در ناملایمات بردباری و تحمل ندارد و خشم بر او چیره می‌شود و از صفات بسیار زشت است و بسیاری از اخلاق رذیله از این قوه غضبیه حاصل می‌شود، از جمله تأثیراتی که می‌تواند در جامعه داشته باشد، کردار غیرعقلانه از انسان سر می‌زند و کینه دوستان را به ارث می‌گذارد و موجی جدایی آنان از یکدیگر می‌شود، به همین دلیل در اخبار وارد شده است که ایمان را فاسد نموده کلید هر شرّ و مزیل عقل خواهد بود و البته چنین صفتی موجب می‌شود که دیگران از اطراف او پراکنده شوند حتی اگر او پیغمبر باشد (طیب، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۰۸).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسند: «وَأَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ» (نهج البلاغه ترجمه دشتی، خطبه ۵۳) به این معنا که مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. آیت الله مکارم شیرازی در شرح فقره فوق بیان می‌کنند، «اشعر» از ریشه «شعار» است و شعار در اصل به لباس زیرین انسان گفته می‌شود که با تن او مستقیماً در تماس است، انتخاب این تعبیر از سوی امام (علیه السلام) اشاره به این است که باید قلب تو مستقیماً با رحمت و محبت و لطف نسبت به رعایا در تماس باشد. ممکن است تفاوت رحمت و محبت و لطف در این باشد که رحمت مرتبه نخستین دوستی و خوش رفتاری است و محبت درجه بالاتر و لطف آخرین درجه است؛ نیز شاید تفاوت این مراتب نسبت به موقعیت رعایا باشد، بعضی استحقاق رحمت دارند و بعضی که سودمندتر و مفیدترند شایسته محبت و آنهایی که خدمت و تلاششان از همه بیشتر است سزاوار لطف‌اند. بی‌شک پایه حکومت صحیح، مقتدر و عادلانه، بر قلوب و دل‌های مردم است نه بر شمشیرها و نیزه‌ها. آن‌ها که بر دل‌ها حکومت دارند کشورشان امن و امان است و آن‌ها که بر شمشیر تکیه می‌کنند دائماً در خطرند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

### ۳. احترام به کرامت ذاتی انسان

هر انسانی صرف نظر از رنگ و نژاد و ملیت، باید کرامت و حقوق انسانی او در نظام اسلامی مورد تضمین قرار گیرد و یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های وجود ادیان الهی کرامت بخشیدن ذاتی به انسان در جهت تعالی اوست. حق متعال نیز در قرآن اعطای کرامت انسانی را موهبتی از جانب خود

قلمداد می‌نماید و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (سوره اسراء / آیه ۷۰). در فرامین اسلامی هیچ تفاوتی بین انسان‌ها مورد لحاظ قرار نگرفته است، و عامل تمایزدهنده انسان‌ها فقط تقوای الهی شمرده شده است و از وظایف کارگزار اسلامی رفتار لطف مدار با مردم شمرده شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه ترجمه دشتی، خطبه ۵۳). مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دودسته اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. از آنجا که احترام به مردم و رفتار کرامت مدار موجب تسخیر دل‌ها می‌شود، امام (علیه السلام) مالک را به حکومت بر دل‌ها تشویق می‌کند و دستور رحمت و محبت و لطف را درباره رعایا صادر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۶۹). که این دیدگاه از جمله دلایلی است که گذشت و محبت نسبت به مردم را به ارمغان خواهد آورد (حرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۳۹).

امام خمینی (ره) در مورد کرامت انسان‌ها و ضرورت عدم تبعیض می‌فرماید: هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه، [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیر ترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند... باید این امتیازات از بین برود، و همه مردم علی السواء هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آن‌ها داده می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۱). بی‌شک از ملزومات احترام به کرامت انسانی، ضرورت برنامه‌ریزی و رفتار بر مبنای عدالت است، این امر چنان در اسلام مورد اهمیت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردی که یکی از بچه‌های خود را بوسید و دیگری را از خود دور کرد، فرمود: «چرا با فرزندان خود به‌طور مساوی رفتار نکردی؟!» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۱۳). زیرا اگر رفتار زعمای حکومت اسلامی با مردم بر مبنای عدالت و برابری نباشد، بی‌اعتمادی، کینه‌توزی و دشمنی‌های خطرناک، دامن گیر جامعه خواهد شد و بحران جامعه اسلامی را خواهد گرفت، پس شالوده احترام به کرامت انسانی، حکمرانی بر اساس عدل بین مردم است.

از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقوله عدالت چنان ارزشمند و پراهمیت است که نادیده گرفتن آن، ثبات اجتماعی را متزلزل می‌کند و شکست یک ملت را موجب می‌شود. و اجرای آن

مایه پایداری و استحکام جامعه است: «العدل قوام البریة و الظلم بوار الرعیة» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۴۱) یعنی: عدالت، مایه قوام و پایداری مردم است و ستم و ظلم، موجب هلاک ملت است. توجه بیشتر به این مقوله انگاه به صورت فزاینده‌ای اهمیت پیدا می‌کند که برخی توجه به ساختن آرمان‌شهر و یا تحقق تمدن را بر پایه تحقق کمال انسانی توجیه کرده‌اند، بدین گونه که انسان به عنوان ابزاری برای محقق کردن آرمان‌شهر قلمداد شده است؛ در واقع بسارسازی ناشی از کرامت انسانی و روحیه کمال‌جویی او انسان را وادار می‌کند تا برای تحقق یک آرمان‌شهر در آینده تلاش روزافزون کند؛ به همین دلیل است که در طول تاریخ بسیاری از فیلسوفان تلاش کرده‌اند تا با شناسایی نواقص و نابسامانی‌های اخلاقی یک جامعه، به رفع آن‌ها بپردازند (محمدی منفرد، ۱۴۰۲: ۲۶). توجه بنیادین به کرامت انسانی و زدودن عوامل تهدیدزا در این حوزه، می‌تواند منجر به ایجاد امید در جامعه و افزایش مقاومت عمومی گردد و جامعه را نسبت به برداشتن گام‌های بزرگ توسعه آماده می‌کند.

#### ۴. خدمت‌گزاری به مردم

کارگزاران اسلامی بر مقوله خدمت‌رسانی به دیگران تاکید می‌کنند و منافع شخصی را فدای منافع دیگران می‌کنند تا افراد از درایت و اختیار و سلامت بیشتری برخوردار شوند و خودشان تبدیل به رهبرانی خدمتگزار شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که رهبر خدمت‌گزار بر ادراک کارکنان از عدالت سازمانی تأثیر دارند و هر یک از ابعاد خدمت‌گزاری - اعم از خردمندی، ایثارگری، بازنمایی اقناعی، التیام بخشی عاطفی، مباشرت و پیشکاری - بر عدالت سازمانی تأثیر دارد و گرایش ارزشی به ابعاد خدمت‌گزاری می‌تواند بیشترین تأثیر را بر عدالت سازمانی داشته باشد (رجبی و ایمانی، ۱۳۹۶: ۶۶).

در فرهنگ اسلام، مناصب حکومتی نقشی در تشخص بخشیدن جهت تفاخر فردی محسوب نمی‌شود بلکه ابزاری در جهت خدمت‌رسانی به مردم و مستضعفین جامعه اسلامی قلمداد می‌شود. اگر کارگزاری منصب حکومتی را وسیله تمایلات دنیوی خود قرار دهد، غاصب و ستمکار شمرده شده و مورد غضب حق متعال خواهد گردید. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خطاب به جابر بن

عبدالله انصاری چنین فرموده است: «يَا جَابِرُ، مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ» (نهج البلاغه / حکمت ۳۷۲).

امام خمینی (ره) نیز خدمت به مردم را وظیفه شرعی می‌دانست و می‌فرمود: اگر به من بگویند خدمتگزار بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمت‌گزار می‌باشد. اسلام ما را موظف کرده است که خدمت بکنیم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۴۶۳). و در جای دیگر می‌فرماید: من با مردم ایران برادر هستم و خود را خادم و سرباز آنان می‌دانم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۵۴).

مهم آن است که در خدمت‌گزاری مردمان کاری با میل و انگیزه، علاقه و مطلوبیت انجام گیرد؛ و آنجا که کاری انجام نمی‌پذیرد، با دوستی و مهربانی و احترام و پوزش خواهی همراه شود. یعنی آنجا که پاسخ مراجعه‌کننده آری است با گوارایی باشد و آنجا که پاسخ نه است، با پوزش خواهی همراه باشد (دلشاد تهرانی، بی تا، ۱۶۲). امیرالمؤمنین نیز چنین نصیحت می‌کند که: «وَأَيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعَايَتِكَ يَا حَسَانُ، أَوْ التَّرِيدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ، وَالتَّرِيدَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ، وَالْخُلْفَ يُوجِبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (نهج البلاغه / نامه ۵۳). بپرهیز که با نیکی خود بر مردمان منت گذاری، یا آنچه را کرده‌ای بزرگ بشماری، یا آنان را وعده‌ای دهی و در وعده خلاف آری، که منت نهادن، ارج نیکی را ببرد و کار را بزرگ شمردن نور حق را خاموش گرداند و خلاف وعده، خشم خدا و مردم را برانگیزاند. و خدای متعال فرموده است: بزرگ دشمنی است نزد خدا که چیزی را بگویند و انجام ندهید.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هیچ کشوری بدون سرمایه اجتماعی از طرف مردمان، نمی‌تواند به کمال و هدف غایی خود دست یابد و بسیاری از کشورها بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی خود توانسته‌اند به قله‌های موفقیت دست یابند. با توجه به اندیشه امیرالمؤمنین، سرمایه اجتماعی به زندگی افراد جامعه جهت می‌دهد و احساس خوشبختی فردی را به آن‌ها اعطاء می‌نماید و می‌تواند در گسترش مقاومت در آینده اجتماع تأثیر بسزایی بر جای گذارد. در نتیجه

هر چه بتوان سرمایه اجتماعی منسجم‌تری را برای یک ملت مهیا نمود، مردم با توان و اطمینان بیشتری در برابر چالش‌های پیش‌روی مقاومت می‌کنند و پیشرفت بیشتری برای آن جامعه به ارمغان خواهد رسید و به همان تناسب آسیب‌های اجتماعی کمتری جامعه را در معرض تهدید قرار خواهد داد.

اعتماد به حکومت از مهم‌ترین ارکان سرمایه اجتماعی است که با توسعه مفهومی آن رشد مشارکت مدنی و ایستادگی در برابر مشکلات حکمرانی که در آینده رخ می‌دهد را شاهد خواهیم بود؛ در نتیجه می‌توان میزان سرمایه اجتماعی را با توسعه اعتماد و مشارکت مدنی موردسنجش قرار داد.

با توجه به مستندات اسلامی و مصادیقی از روایات امیرالمؤمنین که در متن پژوهش اشاره گردید، عنصر حسن اعتماد در منظومه فکری حکومت اسلامی نقش بسزایی را ایفا می‌کند، به طوری که تفرقه و بی‌اعتمادی می‌تواند حلقه انسجام حکومت اسلامی را به خطر اندازد. مدیران نظام اسلامی هر چه قدر بتوانند حسن اعتماد مردم نسبت به ارکان و حقانیت حکومت را توسعه بخشند، مقاومت عمومی در آینده گسترش می‌یابد و به تبع آن سرعت پیشرفت در جهت تحقق تمدن اسلامی نیز شایان توجه خواهد گردید و با فقدان و یا ضعف دال اعتماد مردمی در ارتباط با ارکان حکومت، حرکت رشد جامعه اسلامی مختل خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی قدرت بیشتری را برای رشد و گسترش در جامعه اسلامی ایجاد خواهند کرد، چراکه با ایجاد بحران در اجتماع، بحران‌های خردتر همچون بیکاری، فحشاء، خشونت، جامعه‌گریزی، عدم اعتماد به نفس و... شایع خواهد شد.

اعتماد می‌تواند به علت گسترده‌گی معنایی، در مرحله گذر از بحران‌های موجود در روند توسعه سیاسی-اجتماعی به نحو مؤثری به نظام اسلامی کمک کند. اعتماد در ورودی نظام، تصمیم‌گیری‌ها، الگوسازی‌ها، عملکردها و خروجی نظام می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر شمرده شود و نبود آن ناآرامی و بحران در جامعه را در پی خواهد داشت.

با توجه به نتایج فوق، بر دولت اسلامی شرط است که با رعایت مؤلفه‌های اعتماد ساز، مردم را با بدنه حکومت پیوند زده تا عنصر بی‌اعتمادی زمینه جدایی مردم از کارگزاران حکومت اسلامی را فراهم نکند.

مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد ساز که در هندسه فکری امیرالمؤمنین(ع) رعایت آن‌ها بر دولت اسلامی فرض است را می‌توان چنین عنوان نمود که بی‌توجهی نسبت به عوامل فوق می‌تواند منتهی به کاهش مقاومت عمومی در برابر چالش‌ها گردد: الف) ضرورت پاسخ‌گویی کارگزاران، ب) فروتنی کارگزاران، ج) احترام به کرامت ذاتی انسان، د) خدمت‌گزاری به مردم.



## فهرست منابع

- قرآن کریم  
نهج البلاغه  
صحیفه سجادیه
۱. افسری، علی (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی در اسلام، دوفصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۱۸-۱۰۱.
  ۲. توکلی، عبدالله (۱۳۷۹)، اعتماد در سازمان با نگرش اسلامی، پایان نامه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
  ۳. تاج بخش، کیان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.
  ۴. حرانی، ابن میثم (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
  ۵. حق شناس، معصومه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، مجله حدیث زندگی، شماره ۲۷.
  ۶. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹)، «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲»، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>
  ۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۲»، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>
  ۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، «بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۶»، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>
  ۹. دلشاد تهرانی، مصطفی (بی تا)، حکومت و مدیریت در نهج البلاغه، انتشارات دانشگاه مجازی علوم و حدیث: تهران، صص ۱۶۳-۱۶۲.

۱۰. رجیبی فرجاد، حاجیه، ایمانی خو، شب‌نم (۱۳۹۶)، تأثیر رهبری خدمتگذار بر ادراک کارکنان از عدالت سازمانی، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، سال نهم، شماره ۳۳.
۱۱. رهبر، امیر حسین، نصرافهانی، علیرضا (۱۴۰۳)، تأملی بر روش‌شناسی آینده پژوهی، نشریه آینده پژوهی انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۱، پیاپی ۱۵.
۱۲. زارعی متین، حسن، اکبری، ظاهر (۱۳۹۱)، تکبر و بررسی آثار آن در وظایف اساسی مدیریت، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، پیاپی ۴.
۱۳. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره دوم.
۱۴. شیردل، الهام (۱۴۰۳)، تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر امید به آینده در جوانان شهر زاهدان، نشریه آینده پژوهی انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۳، پیاپی ۱۸.
۱۵. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: نشر شریف رضی.
۱۶. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد چهارم، قم: انتشارات موسسه سبطين.
۱۷. عارف کشفی، حسام الدین (۱۳۷۶)، چگونه فراد بی اعتقاد را به مشارکت در کار گروهی جلب کنیم، مجله تدبیر، شماره ۷۸.
۱۸. کلمن، جیمز (۱۳۸۶)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
۱۹. گل صنملو زین العابدین، موحدی محب عبدالله (۱۳۹۰)، حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه، مجله مطالعات تفسیری، دوره دوم، شماره هفتم.
۲۰. گیدنز آنتونی (۱۳۸۸)، چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی پور، تهران: ناشر طرح نو.
۲۱. متوسلی، محمود؛ بی‌نیاز، علی (۱۳۸۱)، رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۵.



۲۲. مجدی، علی اکبر(۱۳۸۳)، پاسخ‌گویی و نقش آن در تقویت اجتماعی، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۴۹ و ۵۰.
۲۳. معین، محمد(۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمومنین(علیه السلام)، جلد ۱۰، انتشارات دارالکتب الاسلامیه: تهران.
۲۵. موسوی خمینی، روح الله،(۱۳۷۸)، صحیفه امام، انتشارات موسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی(ره).
۲۶. نصوحیان، محمد مهدی(۱۳۸۷)، نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۴.
27. Bourdieu, P.(1983). Ökonomisches Kapital, Kulturelles Kapital, Soziales Kapital. In Soziale Ungleichheiten(Soziale Welt, Sonderheft 2). R. Kreckel(eds). Goettingen, Otto Scharz & Co.
28. Bourdieu, P.(1986). The Forms of Capital. In Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. J. Richardson(eds). New York, Greenwood Press.
29. Bullen. P., Onyx, J(1998). Measuring social capital in five communities in nsw, Sydney: university of Technology and management alternatives.
30. Coleman, J.(1988), Social capital in the creation of human capital, American JOURNAL OF Sociology, Vol. 94, supplement.
31. Cox, E(1997). Building social capital, Health Promotion Matter, Vol. 4.
32. Feldman, T.R, and Assaf, S(1999). Social Capital: conceptual frameworks and empirical evidence, The World Bank, Social CAPITAL initiative, working paper, No.5.
33. Foley, M. W. and B. Edwards(1997). "Escape from politics? Social theory and the social capital debate." American Behavioral Scientist 40(5).
34. Fukuyama, F(2001). Social capital, civil society and development, Series: Third World Quarterly 2001-feb vol. 22 iss. 1.
35. Hind R.a. Grobel j(1991). cooperation and prosocial behavior, Cambridge, UK:cambridge University Press.

36. Kawachi, I., Kennedy, B. P., and Lochner, K., and Prothro-Stith, D.(1997). Social Capital, income inequality and mortality, American Journal of public health, Vol, 8- 35.
37. Ledeman, d., Loyza, N., Menendez, A. M(1999). Violent crime: Does social capital matter? Presented at the 1999 Annual Meeting of the Latin America, Econometric Society, Cancun, Mexico.
38. Lichter, D. T, G. T. cornwell, D. J. Eggebeen(1994). Harvesting Human Capital: Family Structure and Education Among Rural Yout, Rural Sociology, 58.
39. OECD,(2001). The well-being of nation: The role of human and social capital, OECD.
40. Portes, A.(1998). "Social Capital: Its origins and applications in modern sociology." Annual Review of Sociology 24.
41. Robert D. Putnam(2001). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon and Schuster.
42. Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer(1998). Getting the Goods, on Social Capital, Rural Sociology, 63(2).

